

عضویت ایران در بریکس؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

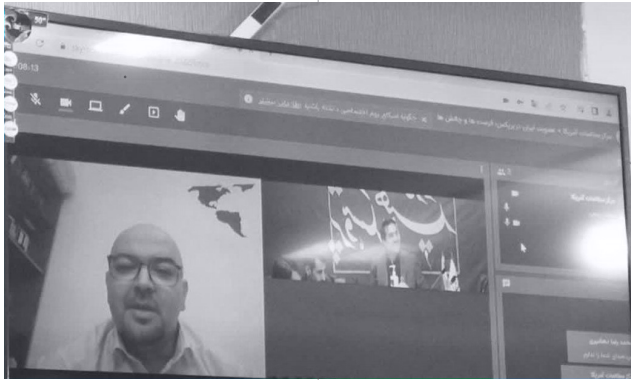


به عنوان یک گروه منسجم عمل کنند، به‌ویژه اینکه برخی ملاحظات سرزمینی و نظامی میان چین و هند وجود دارد و با توجه به حمله روسیه به اوکراین، برخی اخلاف نظرات در این مورد و همچنین، رقابت‌های فزاینده میان روسیه و چین وجود دارد. وی در ادامه، بیان کرد که بریکس به عنوان یک نهاد شرقی- جنوبی نیز مورد توجه است و اگر سیاست خارجه ما به سمت بریکس، تمایل پیدا کند، ابعادی دارد که در بحث سیاست خارجی، یک توازن بر هم می‌خورد. با توجه به این رویکرد، بریکس تقابل با نظام اقتصادی غربی

در ادامه سلسله نشست‌های تخصصی مرکز مطالعات آمریکا با موضوع «عضویت ایران در بریکس؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، دکتر محمدرضا دهشیری، عضو هیئت علمی دانشکده وزارت امور خارجه، دکتر محسن اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر روح‌الامین سعیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، دکتر عابد اکبری، مدیرعامل پژوهشکده بین‌المللی ابرار معاصر و دکتر دیاکو حسینی، کارشناس امور سیاسی و بین‌المللی، به ارائه مباحث و نقطه نظرات خویش پرداختند.

دهشیری: لازم است تا همکاری‌ها از سطح گفتگو فراتر برود و به افزایش مراودات و مبادلات اعضای بریکس منجر شود.

در ابتدای این نشست، دکتر محمدرضا دهشیری با عنوان این نکته که مزیت‌ها و اولویت‌های کشورهای عضو بریکس متفاوت است، بیان کرد: علت این تفاوت را می‌توان در تفاوت‌های عملیاتی تعبیر کرد و بسیار دشوار است که اعضای بریکس



در ادامه نشست، دکتر دیاکو حسینی ضمن متفاوت خواندن اهداف کشورهای عضو بریکس بیان کرد: چین و روسیه، به دنبال ساختار وضعی اقتصادی هستند و سه کشور دیگر هند، برزیل و آفریقای جنوبی - که از متحدان و شرکای نزدیک آمریکا هستند- دنباله‌روی آمریکا هستند و این مسئله، یک تفاوت ماهوی در فلسفه سیاسی اعضای گروه بریکس ایجاد می‌کند. ما در ایران با یک ساده‌سازی، فکر می‌کنیم که اعضای بریکس، یک نزاع با آمریکا دارند و در برابر او ایستاده‌اند و الزاماً در آینده‌ای نزدیک، قرار است تا یک نظم جدید بین‌المللی را ایجاد کنند، اما باید بدانیم که همه کشورها با این نگاه موافق نیستند. این تفاوت در نوع نگاه، باید موجب

میان کشورهای عضو، این اعتماد شکل بگیرد که برای نیل به این هدف، نیازمند همکاری‌های عملی هستیم و لازم است تا همکاری‌ها از سطح گفتگو فراتر برود و به افزایش مراودات و مبادلات اعضای بریکس منجر شود. درنهایت، ما نیازمند روایت سازی ایجابی هستیم که بتواند در برابر رویکرد هژمونی غربی، مقابله و مقاومت کند که شرط آن، شبکه‌سازی رسانه‌ای و اجتماعی برای تأثیرگذاری در مبادلات ارتباطی است.

حسینی: آن چیزی که اعضای گروه بریکس در آن، هم نظر هستند، این است که جهان چند ارزی را به وجود بیاورند؛ یعنی اینکه دلار، تنها ارز رایج در مبادلات بین‌المللی نباشد.

است و کف ترازو را از حالت توازن خارج می‌کند و بیشتر به سمت شرق سوق می‌دهد، لذا باید بسیار دقت کنیم که در عین استفاده از ظرفیت آن، تعاملاتمان با غرب را نیز فراموش نکنیم. دکتر دهشیری در ادامه افزود: یکی دیگر از مشکلات بریکس این است که جایگاه آن در برخی نهاد‌های بین‌المللی، روشن نیست و نتوانسته به عنوان یک نهاد، جایگاه داشته باشد و آن چیزی که مهم بوده، این است که بریکس به عنوان یک نهاد G20، تلقی شود که به نهادسازی در درون سازمان‌های بین‌المللی نیاز دارد. چالش دیگر نیز این است که بریکس، یک ابتکار کوتاه‌مدت بوده است و بیشتر نیز چالش‌های کوتاه‌مدت را مدیریت می‌کند، پس نمی‌تواند یک راهبرد درازمدت برای کشورهای عضو باشد، به همین دلیل، میزان تأثیرگذاری بسیار محدودی برای شکل‌دهی به بحران‌های جهانی دارد و نمی‌تواند، وزن‌دهی مناسبی برای حکمرانی جهانی ایجاد کند. اگر بخواهیم در این نهاد عضو شویم، از لحاظ اعتمادسازی، این نهاد باید به سطح مطلوبی برسد و



اکبری: در زمینه اقتصاد بین الملل، لازم است تا نگاه راهبردی تر داشته باشیم، زیرا عضویت بدون داشتن استراتژی، می تواند ما را دچار مشکل کند.

در ادامه این نشست، دکتر عابد اکبری به ارائه نقطه نظرات خود، پرداخت و ضمن بیان این نکته که جمهوری اسلامی ایران، باید درک درستی از تحولاتی که در پیرامونش رخ می دهد، داشته باشد، عنوان کرد: براساس همین تحولات است که ایران به عضویت گروه امنیتی شانگهای درمی آید که حدود ۸۰، ۹۰ درصد مباحثشان، طبق اسنادی که وجود دارد، امنیتی است. من فکر می کنم که ما در این زمینه، کمی دچار فقدان اطلاعات هستیم و شاید براساس آن ها، نمی توانیم تحلیل های درستی داشته باشیم و آن هم

آن شود تا ما با احتیاط رفتار کنیم و مراقب باشیم، از دامن هژمونی آمریکا به دام نقشه های بلندمدت چین نیفتیم. وی در ادامه افزود: چین برای ما، تهدیدی بالقوه و بزرگ تر از غرب است؛ در واقع، مسیری که چینی ها در آن حرکت می کنند، مسیر هنجار سازی است و وقتی هنجارها شکل بگیرند، مرحله نهادسازی شروع می شود. مرحله سوم بعد از نهادسازی، الگوسازی است؛ که الگوسازی برای جایگزینی الگوی نوین غرب است. به نظر می رسد که بریکس، یکی از آن گروه هایی بوده که در حال گذار از مرحله هنجار سازی به سمت مرحله نهادسازی است. آن چیزی که اعضای گروه بریکس در آن، هم نظر هستند، این است که جهان چند ارزی را به وجود بیاورند؛ یعنی این که دلار، تنها ارز رایج در مبادلات بین المللی نباشد، زیرا الگوی بحران سال ۲۰۰۸، نشان داد که می تواند به اقتصاد کشورهای جهان آسیب بزند؛ بنابراین، لازمه ایمن شدن در برابر این امواج، آن است که ما یک جهان چند ارزی داشته باشیم و این اتفاق، کم و بیش در حال رخ دادن است.

این است که براساس این تغییر و تحولات، ما دچار یک انگیزه شده و به این دلیل، به عضویت این پیمان درآمده ایم. وی در ادامه افزود: نکته بعدی این است که خود شانگهای و بریکس، چه دستاوردها و محتوایی برای ما دارند که می توانند بر سیاست خارجه مان، اثر بگذارند و فرصت ها و چالش هایی را ایجاد کنند؟ فکر می کنم که ما، یک مقدار باید نگاه بدبینانه داشته باشیم، زیرا اندیشکده های رسالت داریم تا بر چالش ها و تهدیدات تمرکز کنیم، وگرنه به فرصت ها که همه می پردازند. نگاه بدبینانه این است که بنده احساس می کنم، ما چندان به محتوا، ورود جدی نداریم و به این اتحادها، عمیق نگاه نمی کنیم، زیرا عضویت و عدم عضویت، می تواند پیامدهایی را برای ما

به دنبال داشته باشد و امیدوارم در شانگهای، این اتفاقات خوب رقم بخورد و اتفاقات ناگوار با عضو شدن چشم و گوش بسته رخ ندهد.

بزرگ‌ترین فرصت سیاسی برای ما، پرستیژ و منزلت بین‌المللی است. زمانی که به چالش‌های سیاسی درون بریکس نگاهی بیندازید، احساس می‌کنید که همین فرصت را هم به تهدید تبدیل می‌کند؛ یعنی تهدیدی که در درون همین فرصت، می‌تواند به وجود بیاورد. اولین موضوع، این است که اعضای بریکس، یک تجربه موفق داشته و دائماً بر روی آن به عنوان یک الگوی موفق، تأکید می‌کنند که آن‌هم پیمان آب و هوایی کپنهاگ بوده است که ۵ عضو، توانسته‌اند صدای مشترک داشته باشند، یک بیانیه بدهند و غیر از آن، در سایر موارد تقریباً ناموفق بوده و موفقیت‌های جزئی داشته‌اند. البته چالش‌هایی نیز وجود دارد که مختص خود ما است، به عنوان مثال، ما با هر سازمان بین‌المللی (مانند بریکس) که بخواهیم وارد تعامل شویم، آن چالش‌ها را خواهیم داشت و باید برای آن، هوشمندی و

برنامه‌ریزی داشته باشیم که اولین و دردآورترین مورد، آن است که ما، تقریباً استراتژی اقتصادی بین‌المللی نداریم و در زمینه اقتصاد بین‌الملل، لازم است تا نگاه راهبردی تر داشته باشیم؛ زیرا عضویت بدون داشتن استراتژی، می‌تواند ما را دچار مشکل کند. استقلال در سیاست خارجی، دال مرکزی است و اساساً بعد از انقلاب ۵۷، مزیت ما استقلالی بود که در سیاست خارجی داشتیم و در صورت نداشتن استراتژی، در ادامه راه، ممکن است که این استقلال، با چالش روبه‌رو شود. در بحث چالش‌های خودمان از پیامدهای عضویت در بریکس، می‌توان به چالش‌های بازیگران خارج از بریکس نیز اشاره کرد. فشارهای تحریمی وارد شده بر ایران، می‌تواند بر اعضای بریکس نیز وارد شود. حجم تبادلات چین و روسیه از آغاز سال شمسی ما، کاهش پیدا کرده و میزان سرمایه‌گذاری چین در روسیه، روند کاهشی دارد که قطعاً تحت فشارهای تحریمی آمریکا بوده است و ما، باید به این موضوعات توجه کنیم. همچنین،

ما شاهد بدعهدی‌های هند، برزیل و آفریقای جنوبی بوده‌ایم و باید ببینیم بعد از عضویت در بریکس، روابطمان با این کشورها، به چه شکلی خواهد بود؟ وی در پایان عنوان کرد: نکته آخر، نبود زیرساخت‌های حقوقی و کلان اقتصادی در کشور ما است؛ در واقع، چندین سال است که ما می‌خواهیم عضو سازمان تجارت بین‌المللی شویم که این سازمان‌ها، یکسری دستورالعمل‌های سیاسی-اقتصادی را برایمان، تعریف کرده‌اند و هنوز هم در درون خودمان، دچار چالش‌هایی هستیم که نیازمند تلاش‌های بیشتر در مجلس و نهادهای قانون‌گذار است که باید نگاه جدی‌تر و عمیق‌تری داشته باشیم تا مانند شانگهای نشود که بیایم درخواست عضویت بدهیم و سپس، یکی یکی پیام‌ها را بخوانیم که اگر عضو شویم، چه تعهدهای امنیتی را باید بدهیم.

سعیدی: در مرحله غربی زدایی، این فرصت برای دیدگاه‌های غیر غربی ایجاد شده است تا حرف بزنند و نظریات جدید را



استراتژی خوب انتخاب کنیم؛ بریکس، یکی از بهترین‌ها است.

در پایان این نشست، دکتر محسن اسلامی به ارائه مباحث خود، پرداخت و بیان کرد: در حال حاضر در فضای روابط بین‌الملل، در یک فضای در حال گذر قرار داریم که به ما فرصت می‌دهد که فکر کنیم، تحلیل نماییم و در نهایت، یک استراتژی خوب انتخاب کنیم؛ بریکس، یکی از بهترین‌ها است. در حال حاضر، ده سال یا بیشتر است که در غرب آسیا، فضای رقابت و تخصص‌محور شدیدی شکل گرفته که در نهایت، جمهوری اسلامی ایران توانسته است، یک گفتمان جدیدی را شکل دهد. در یک سفری که به چین داشتم، به مخاطب چینی خودم اشاره کردم که ما در تأمین امنیت غرب آسیا موفق بوده‌ایم، شما در تأمین ثبات و امنیت شرق آسیا، چه کار کرده‌اید؟ که برای او بسیار جالب بود. در بریکس، دو

امروزه با آن مواجه هستیم، باید بگویم که منطقه‌گرایی تا حدودی دارد به جهانی شدن، ترجیح داده می‌شود و فرایند منطقه‌گرایی از فرایند جهانی شدن تا حدودی پیشی گرفته است، زیرا کار کردن با کشورهایی که در یک منطقه هستند و اشتراکاتی دارند، راحت‌تر است. مسئله دیگر، غربی‌زدایی از جهان یا به اصطلاح دانشگاهی آن، از روابط بین‌الملل است؛ این‌که دیگر غرب، فاعل شناسا نبوده و تنها سوژه استعلایی تفسیرکننده و تبیین‌کننده جهان نیست. در مرحله غربی‌زدایی، این فرصت برای دیدگاه‌های غیر غربی ایجاد شده است تا حرف بزنند و نظریات جدید را به وجود آورند که البته ما، نشانه‌های جنبی آن را امروزه مشاهده می‌کنیم؛ از تولد تئوری‌های پسا استعمارگری تا نظریات اساتید هندی در روابط بین‌الملل و بریکس، نمادی از این تحولات است.

اسلامی: در حال حاضر در فضای روابط بین‌الملل، در یک فضای در حال گذر قرار داریم که به ما، فرصت می‌دهد که فکر کنیم، تحلیل نماییم و در نهایت، یک

به وجود آورند که البته ما، در حال حاضر نشانه‌های جنبی آن را مشاهده می‌کنیم.

در ادامه این گفتگوی علمی، دکتر روح‌الامین سعیدی به ابعاد ماهیتی بریکس و تغییراتی که این گروه در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است، پرداخت و بیان کرد: شکل‌گیری بریکس، نشانه‌ای از شکل‌گیری یک ساختار چند بلوکی بوده و این، بدان علت است که جنس خود بریکس نیز جنس یک بلوک است. البته هنوز یک بلوک منسجم نیست، اما اگر تعریف بلوک را که گفته می‌شود، کشورهایی که منافع و اهداف مشترک دارند و اتحادی را باهم تشکیل می‌دهند، به عنوان تعریف بلوک در نظر بگیریم، احتمال این امر وجود دارد که در آینده، یک نظام چند بلوکی شکل بگیرد؛ به عنوان مثال، بلوک نفتا در آمریکای شمالی، بلوکی در اروپا و بلوکی هم تحت عنوان بریکس. در مدل‌های چند بلوکی، دیگر یک کشور محور قرار نمی‌گیرد، بلکه آن بلوک یا سازمان، محور قرار می‌گیرند. وی در ادامه افزود: در خصوص تغییر فرآیندی که ما،



کشور از پنج کشور، حق وتو دارند و ما توانستیم روسیه و چین را درگیر کنیم و حتی در مورد ونزوئلا، اگر جمهوری اسلامی ایران نبود، نمی توانست بماند، به این دلیل که ما، چین را درگیر کردیم و فکر می کنم که بریکس، در حقیقت نیازمند جمهوری اسلامی ایران است، زیرا جمهوری اسلامی ایران، انرژی دارد و همچنین، انرژی جهان را تأمین می کند. وی در ادامه افزود: کشوری مانند روسیه به واسطه تحولاتی که در اوکراین می بینیم، نشان داد که می تواند برهم زننده تمام ثبات انرژی اروپا باشد. این موارد نشان می دهند که بریکس، بسیار مهم است. البته در محافل علمی، کمتر به جمهوری اسلامی آن پرداخته می شود و تا کمی از بریکس حمایت می کنیم، سریع ما را به یکی از این دو کشور (چین و روسیه) نسبت می دهند. ایران می تواند

به واسطه همین گروه بندی، حتی به پیشرفت نیز برسد و اعضای بریکس نیز به واسطه ایران، می توانند مشکلاتشان را حل کنند و تهدیدی برای ایران وجود ندارد، ایران باید آن ها را تقویت کند. از طرف دیگر، بریکس می تواند آینده ای را شکل بدهد که ایران، به آن نیازمند است؛ پس باید قبول کنیم که در این، یکی دو دهه گذشته، ایران به واسطه تحریم ها، از محیط بین المللی دور مانده و بریکس، فرصتی است که می تواند ایران را به این چرخه بازگرداند. جالب است که دو عضو بریکس، دارای حق وتو نیز هستند، بنابراین، شما با کشوری ائتلاف نکرده اید که فردا به ضررتان باشد، زیرا آن کشور، می تواند در شورای امنیت، شما را تأمین کند، همان طور که در مورد روسیه، این امر صادق است و ملاحظه می کنید که تا چه حد، از این حق وتوی خود در مورد بحران اوکراین استفاده می کند. قدرت و امنیت، دو بعد مهم در روابط بین الملل هستند؛ جمهوری اسلامی ایران، سعی کرده است تا قدرت خود را در این، یکی دو دهه افزایش

دهد، آن هم بدون این که درگیر بلوک بندی شود. در دوره ای که وارد سوریه شد، یک گروه بندی جدید ایجاد کرد که آن هم به نظر بنده، به واسطه هوش و درایت سردار سلیمانی و ملاحظاتی بود که رهبری در سیاست خارجی داشتند. اتفاقی که در سوریه افتاد؛ قدرت ایران در سوریه، به واسطه قدرت روسیه در شورای امنیت، کار خودش را کرد. در سوریه، ایران به روسیه هشدار داد که سوریه، می تواند لیبی دوم باشد و روسیه را به همکاری واداشت که فشار را ننگه دارد. این اتفاق را ایران رقم زد. این وضعیت قدرت نشان می دهد، حتی زمانی که ما در بریکس نیستیم، توان اعمال قدرت را داریم. به همین دلیل است که می گویم، فرصت است و اگر شما بخواهید یا نخواهید، تهدید می شوید و طبیعی است که وقتی در یک بلوک بندی قرار می گیرید، بلوک بندی مقابل برای شما تهدید باشد. البته نکته اساسی این بوده که قدرت طرف مقابل، تضعیف شده است.